

# شناخت مرجع قضایی صالح در منازعات ناشی از مسئولیت مدنی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۶/۱۵)

دکتر بهنام اسدی

پژوهشگر و مدرس دانشگاه

## چکیده

بی گمان حلقه اتصال یک حق مکتسبه ناشی از مسئولیت مدنی و جبران خسارت، دادگاه صلاحیت دار رسیدگی به موضوع مطروحه است به تعبیری بایستی گفت دادگاه صالح به رسیدگی به دعوی مسئولیت مدنی واسطه العقد دو کفه مسئولیت و جبران خسارت خواهد بود. قانون گذار در قانون آیین دادرسی مدنی معیارهای صلاحیت دادگاه را معین نموده است و با تبعیت از این معیارها در دعوی مطروحه از جمله دعوی مسئولیت مدنی، اقامه کننده دعوی به دادگاه صالح هدایت خواهد شد. تردیدی نیست که وقتی در صلاحیت یک دادگاه در موضوع مشخصی تردیدی حاصل می آید در عادلانه بودن آن دادرسی تشکیک باید کرد چرا که مراجعه به دادگاه صلاحیت دار جزو اصول خدشه ناپذیر دادرسی عادلانه در تمام سیستم های حقوقی است. به دلیل همین اهمیت است که مقنن در اصل سی و چهارم قانون اساسی به این موضوع اشاره و مراجعه به دادگاه صلاحیت دار را حق مسلم هر فرد دانسته است.

۴۴۷



واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، صلاحیت ذاتی، صلاحیت محلی، دادگاه صلاحیت دار

## بخش اول : کلیات

مسئولیت قهری راجع به اموال منقول عنوانی است که لازم است درباره آن توضیح داده شود منظور از این مسئولیت آن است که از قبل مال منقول شخصی مسئولیت برای او ایجاد شود. به عنوان مثال در زمان حرکت اتومبیل در جاده شنی، سنگریزه ای از زیر چرخ اتومبیل پرتاب و موجب شکسته شدن شیشه اتومبیل شخص دیگری شود در این جا هم خسارت از مال منقول ناشی شده و هم خسارت به مال منقول وارد شده است. بدیهی است مسئولیت راننده ای که اتومبیل را می راند مسئولیتی است قهری که مربوط به مال منقول یعنی اتومبیل اوست. در این جا چون خسارت به مال منقول وارد گردیده و منشا ورود خسارت نیز مال منقول بوده، شکی نیست که دعوا تابع احکام و قواعد مربوط به دعوی مال منقول است.<sup>۱</sup> اما به هر حال دعویایی است که از عقد یا قرارداد ناشی نشده بنابراین مطابق قانون آیین دادرسی مدنی این دعوی باید در دادگاه محل اقامت خوانده مطرح شود چرا که ماده ۱۱ قانون مذکور بر این موضوع دلالت دارد.

### بند اول: نقص و ابهام قانون در مورد ضابطه ارایه شده در خصوص دادگاه صالح

برای تشخیص بهتر این نقص بدو سابقه تقنینی این موضوع گفتار اول بررسی و سپس نقص موجود در خصوص تعیین دادگاه صالح در گفتار دوم بررسی خواهد شد. قانون اصول محاکمات حقوقی ۱۳۲۹ قمری (در مواد ۱۰ و ۱۵۱) به خواهان این اختیار را داده بود که ادعای خود را در دادگاهی اقامه نماید که خود در حوزه آن ساکن یا اقامتگاه دائمی دارد و یا در دادگاهی که خوانده در حوزه آن ساکن یا اقامتگاه دائمی دارد طرح دعوی نماید که در این صورت «باید مخارج عادیه مسافرت و توقف مدعی علیه را که احضار شده است به مشارالیه پردازد و بعد هر گاه حقانیت او ثابت شده مدعی می تواند در جزو خسارات خود این مصارف را هم موافق قانون از مدعی علیه بی حق، ادعا و مطالبه نماید». این طریقه از حیث

۱. برای دیدن مفهوم دعوی مال منقول مراجعه کنید به: مهاجری، علی، دعوی مالی و غیرمالی در حقوق ایران و فرانسه، چاپ اول، انتشارات فکر سازان، تهران، ۱۳۸۷، ص ۷۶ به بعد.



تشخیص میزان «مخارج عادیہ مسافرت و توقف» خوانده که در مورد طبقات مختلف طبعاً یکسان نیست و ترتیب وصول و ایصال آن در عمل اشکالاتی تولید کرده و موجب تاخیر و وقفه در جریان دادرسی می گردید.<sup>۱</sup> در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ برای اولین بار قاعده عمومی صلاحیت دادگاه اقامتگاه خوانده مصوب گردید به موجب ماده ۲۱ این قانون: «دعاوی راجع به دادگاه هایی که رسیدگی نخستین می نمایند باید در همان دادگاهی اقامه شود که مدعی علیه در حوزه آن اقامتگاه دارد...». قانون جدید آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز این اصل را پذیرفته و در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می نماید: «دعوی باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده، در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد...».

### بند دوم: نقص قانون در اجرای اصل

قاعده صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده ناشی از یکی از سنت های قضایی است که در حقوق رم، در حقوق کلیسا و در حقوق سنتی بیشتر کشورها پذیرفته شده و مورد تایید قرار گرفته است و می توان آن را یکی از قواعد مقبول جهانی دانست. این قاعده مبتنی بر ضرب المثلی لاتین است که مضمون آن چنین است «خواهان باید دعاوی خود را در دادگاه محل اقامت خوانده مطرح نماید.» دلیل رسوخ و ثبات این قاعده دو فرض قانونی ذکر شده که بر مبنای آن تا زمانی که دعوی مورد رسیدگی و حکم واقع نشود، خوانده آن از دو فرض قانونی یعنی اصل برائت و اماره دلالت ظاهر برواقع، بهره می برد. به موجب اصل برائت همه افراد در قبال یکدیگر در یک حالت تعادل و توازن حقوقی قرار دارند و اصولاً باید فرض کرد که کسی در قبال دیگری تعهدی ندارد و «اصل بر برائت است». هم چنین به موجب اماره ظاهر هر چیزی بایستی مطابق با واقع و حقیقت فرض شود مگر آن که خلاف آن اثبات گردد.<sup>۲</sup> درحقیقت، در مواردی که اظهارات شخص، خلاف این اصل و اماره است، باید با اقامه دلیل، این دو فرض قانونی را بی اعتبار نماید و بایستی زحمت این کار را نیز متقبل شده و اصولاً

۱. متین دفتری، احمد، همان، ص ۲۷۷.

۲. شمس، عبدالله، همان، ص ۴۰۴.

۳. صدرزاده افشار، محسن، همان، ص ۱۵۰.





این موضوع با مراجعه به دادگاه محل اقامت خوانده تحقق می‌یابد. اجرای این قاعده هم چنین از طرح دعاوی واهی که موجب مشقت خوانده در تجهیز پاسخ می‌گردد می‌کاهد. اما اجرای این اصل در همه موارد به مصلحت نیست و قانون‌گذار در مواقعی که اجرای اصل مشکلاتی ایجاد می‌کند و یا حتی مصالح افراد این موضوع را ایجاب می‌نماید استثنائاتی را بر آن مقرر داشته است که از آن جمله است ماده ۴ قانون ثبت احوال که در دعاوی راجع به اسناد سجلی که به خواهان اجازه می‌دهد دعوی را در محل اقامت خود مطرح کند. به عنوان مثال آقای (الف) که شناسنامه وی صادره از بندرعباس و خود ساکن مشهد است اگر در مورد شناسنامه اش بخواهد اقامه دعوی کند دعاوی او در مشهد پذیرفته خواهد شد. ضرورت این استثنا (امکان اقامه دعوی از ابتدا در محل اقامت خواهان) دقیقاً در راستای ایجاد سهولت برای خواهان است چرا که اقتضای زندگی اجتماعی و چرخه نظام اداری در کشور سکونت و اشتغال بسیاری از افراد در محلی غیر از محل صدور شناسنامه آن‌ها است و اگر بنا باشد اینان برای طرح دعوی به دادگاه محل اقامت خوانده که همان ثبت احوال شهرستان محل صدور است مراجعه کنند دچار مشقت خواهند شد و وضع ماده ۴ قانون ثبت احوال ناشی از تدبیر قانون‌گذار است. هم چنین به موجب ماده ۴۱۵ قانون تجارت ممکن است متقاضی (خواهان) صدور حکم ورشکستگی تاجر، خود وی باشد که به دستور ماده ۴۱۳ همان قانون بایستی ظرف سه روز از تاریخ توقف موضوع را به دادگاه محل اقامت خود اطلاع و دفاتر تجاری و صورت حساب دارایی خود را نیز به دفتر دادگاه تسلیم نماید. ایجاد صلاحیت برای دادگاه محل اقامت خواهان در این فرض جز بر پایه مصالح در خصوص حفظ حقوق طلب کاران و سیر مراحل تصفیه نمی‌باشد. مورد دیگری که در این خصوص قابل طرح است بحث امکان طرح دعوی مطالبه خسارت به صورت مستقل از دعوی اصلی است چرا که به موجب ماده ۵۱۵ قانون آیین

۱. ماده ۴ قانون ثبت احوال مصوب ۵۵/۴/۱۶ و اصلاحات مورخ ۶۳/۱۰/۱۸: «رسیدگی به شکایات اشخاص ذی نفع از تصمیمات هیات حل اختلاف و هم چنین رسیدگی به سایر دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال باد اداره شهرستان یا دادگاه بخش مستقل محل اقامت خواهان به عمل می‌آید...».

دادرسی مدنی، خواهان حق دارد به طور مستقل جبران خسارت ناشی از دادرسی یا تاخیر انجام تعهد یا عدم انجام آن را مطالبه نماید.

### بخش دوم: فرض صلاحیت دادگاه غیر از محل اقامت خوانده<sup>۱</sup>

اگر خسارت ناشی از مال منقول با شرایط مورد نظر قانون گذار جمع شود در این صورت طرح دعوی مطالبه خسارت در دادگاهی غیر از دادگاه محل اقامت خوانده ممکن خواهد بود. منظور از شرایط مورد نظر قانون گذار آن است که منشا ورود خسارت عملی باشد که قانون گذار برای آن عمل مجازات تعیین کرده باشد، به عنوان مثال شخصی در اثر بی احتیاطی در رانندگی، با اتومبیل طرف مقابل تصادف و ضمن وارد کردن خسارت، سرنشین یا سرنشینان اتومبیل مقابل را مجروح می نماید. در این جا براساس اصل صلاحیت مرجع قضایی محل وقوع جرم،<sup>۲</sup> شکایت کیفری در همان مرجعی صورت خواهد گرفت که تصادف به وقوع پیوسته است پس از آن که شکایت کیفری مطرح شد شاکی می تواند دلایل و مدارک خود مبنی بر مطالبه ضرر و زیان را به مرجع قضایی تسلیم و دعوی ضرر و زیان اقامه نماید. ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ در این خصوص چنین مقرر داشته است.

«پس از آن که متهم تحت تعقیب قرار گرفت مدعی یا شاکی می تواند اصل یا رونوشت تمامی دلایل و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و نیز می

۱. هدف ما در این جا طرح مجدد مستثنیات قاعده اصل حاکمیت دادگاه محل اقامت خوانده نیست بلکه مقصود طرح این فرض است که تحت شرایطی می توان قائل به صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل اقامت خوانده جهت طرح دعوی بود.

۲. ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۸۷/۶/۲۸: «متهم در دادگاهی محاکمه می شود که جرم در حوزه آن واقع شده است و اگر شخصی مرتکب چند جرم در جاهای مختلف بشود در دادگاهی رسیدگی خواهد شد که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده و چنانچه جرائم ارتكابی از حیث مجازات در یک درجه باشد دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شده رسیدگی می نماید و در صورتی که جرائم متهم در حوزه های قضائی مختلف واقع شده باشد و متهم دستگیر نشده، دادگاهی که ابتدائاً شروع به تعقیب موضوع نموده، صلاحیت رسیدگی به کلیه جرائم مذکور را دارد».





تواند قبل از اعلام ختم دادرسی تسلیم دادگاه نماید. مطالبه ضرر و زیان مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی می باشد. «آن چه که می تواند موجب تسهیل خدمت رسانی به زیان دیده باشد» قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در برابر اشخاص ثالث « مصوب ۸۷/۴/۱۶ مجلس شورای اسلامی است که به موجب آن تحت شرایطی بدون نیاز به مراجعه به دادگاه، زیان دیده می تواند از طریق بیمه اتومبیل مقصر حادثه، خسارت خود را دریافت کند. هرچند این قضازدایی که جزو سیاست های قوه قضائیه می باشد در عمل موجب حصول مقصود ما در عدم تحمل رنج بیهوده از ناحیه زیان دیده خواهد شد که خود جای بسی خرسندی دارد، اما بایستی گفت این موضوع در چارچوب روش های حل اختلاف جایگزین در حل و فصل دعاوی مربوط به ضمان قهری و خسارت و آن هم به دلیل کم هزینه بودن، کارایی و اطمینان آن طبقه بندی و بررسی می گردد.<sup>۱</sup> و تاثیری بر اصل موضوع ندارد چه این که این سیاست و هدف حمایتی سبب تاسیس صندوق تأمین خسارت های بدنی<sup>۲</sup> شده تا در مورد خسارت های بدنی (که طبق تبصره ۳ ماده یک قانون فوق الذکر شامل دیه، ارش، نقص و از کارافتادگی (جزئی یا کلی) می گردد) متضرر امکان طرح دعوی جهت اخذ خسارات وارده را داشته باشد.<sup>۳</sup> باتوجه به ضابطه گفته شده یعنی جرم انگاری فعل ارتكابی و مسبب ورود خسارت می توان خسارت وارده

۱. اسکندری، امیرمحمد، مقاله «بررسی نقش تکمیلی روش های حل اختلاف جایگزین در حل و فصل دعاوی مربوط به ضمان قهری و خسارت» مجله کانون وکلا، شماره ۱۹۱، سال ۱۳۸۴، ص ۲۹ به بعد.
۲. ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری شخص ثالث: «به منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث رانندگی، خسارت های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضا، بیمه نامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تأمین بیمه گر، فرارکردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی خسارت های بدنی خارج از شرایط بیمه تامه (به استثناء موارد مصرح در ماده (۷)) توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تأمین خسارتهای بدنی پرداخت خواهد شد...».
۳. برای مطالعه مراجعه کنید به: خدابخشی، عبدالله، مقاله «حضور بیمه گر و صندوق تأمین خسارت های بدنی در دعوی مسئولیت مدنی» فصلنامه صنعت بیمه، سال بیست و چهارم، شماره ۴-۳، پاییز و زمستان ۸۸، صص ۲۶۰-۲۱۱.

اشخاص را در جرایم مختلف مورد بررسی قرارداد. برای نمونه در بزه انتقال مال غیر که به نظر برخی مولفین منحصر در اموال منقول است.<sup>۱</sup> قانون گذار در ماده یک قانون راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸ انتقال مال دیگری را تحت شرایطی جرم و مرتکب را علاوه بر تحمل مجازات به جبران خسارت نیز محکوم می نماید. برای مثال وقتی شخصی فرش متعلق به غیر را به دیگری منتقل می نماید و از بابت این انتقال منتقل الیه علاوه بر پرداخت ثمن معامله هزینه هایی از جمله جهت حمل و نقل متقبل می شود بدیهی است که این خسارات قابل مطالبه و داخل در دعوای مسئولیت مدنی می باشد. قانون گذار در ماده ۴ قانون فوق الاشاره بیان می دارد که علاوه بر مجازات مندرج در این قانون مجرم باید مادام که خسارات وارده بر مدعی خصوصی را جبران نکرده است در توقیف بماند و منظور از خسارات وارده، حکم به استرداد اصل مال و نیز خسارات وارده به شاکی می باشد که با توجه به حقوقی بودن مطالبه خسارت زاید بر اصل مال بایستی جهت مطالبه آن با رعایت قانون آیین دادرسی مدنی و وفق ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری در مرجع صالح به تعقیب جرم اقدام به تقدیم دادخواست نماید.<sup>۲</sup> در تایید این نظر هیات عمومی دیوان عالی کشور در رای شماره ۵۸۲ مورخ ۷۱/۱۲/۲ بر لزوم ارایه دادخواست برای مطالبه ضرر و زیان وارده ناشی از جرم این گونه تاکید می کند: «مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم ... که در دادگاه کیفری مطرح می شود عنوان حقوقی دارد. شروع رسیدگی به دعوای حقوقی در دادگاه های دادگستری هم به صراحت ماده ۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی (ماده ۴۸ قانون جدید) مستلزم دادخواست با شرایط قانونی آن می باشد».<sup>۳</sup>



۱. بهرامی، بهرام، معامله فضولی و انتقال مال غیر، چاپ سوم، انتشارات نگاه بینه، تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۶۵.

۲. همان، ص ۱۹۲.

۳. نظریه ۷/۴۲۹۹ مورخ ۸۴/۶/۲۴ اداره حقوقی قوه قضائیه: «مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم» از جمله خسارت ناشی از تخلف در رانندگی با اتومبیل»، به استناد ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ از دادگاهی که به اتهام متهم رسیدگی می کند از حقوق و اختیارات زیان دیده است نه تکلیف، بنابراین مشارالیه می تواند با انصراف از طریق مزبور و به استناد ماده ۱۱ قانون



## بخش سوم: دادگاه صالح در دعاوی مسئولیت مدنی مربوط به اموال غیرمنقول

آن چه تاکنون بیان شد غالباً بر ورود ضرر و زیان به اموال منقول متمرکز بود اما واقعیت این است که موضوع ورود خسارت در بسیاری از موارد اموال غیرمنقول می باشند. برای مثال امکان دارد بر اثر بی احتیاطی دارنده مال منقولی مانند اتومبیل به مال غیرمنقول دیگری مانند دیوار منزل مسکونی جنب خیابان آسیب وارد آید و مالاً دعوی مسئولیت مدنی مطرح گردد. هم چنین ممکن است بر اثر گود برداری غیراصولی در زمین در حال ساخت به ساختمان مجاور خسارتی وارد گردد و یا در همین فرض به اثاثیه (مال منقول) موجود در ملک مجاور آسیب وارد گردد. مثال هایی از این دست به تعداد موارد پیش آمده فراوان و متنوع هستند اما نکته در این است که بتوان در هر مورد دادگاه صالح را در دعاوی مسئولیت مدنی بازشناخت و سوال اصلی در این خصوص این است که در هر مورد دعاوی تولید شده مربوط به مال منقول است یا این که نتیجه مال غیرمنقول می باشد؟! و مشخصاً نتیجه پاسخ در تعیین دادگاه صالح موثر است. به همین دلیل ما ناگزیر از بررسی ماهیت و ویژگی اموال از منظر منقول بودن و غیرمنقول بودن آن ها هستیم. چرا که به نظر اموال موضوع یک دعوی مسئولیت مدنی ممکن است در منقول یا غیر منقول بودن دعوی و نیز در دادگاه صلاحیت دار رسیدگی به ترافع موثر باشند. شاید ذکر این موضوع در این جا خالی از لطف نباشد که همان گونه که بیان شد صلاحیت نسبی بین دادگاه عمومی و شورای حل اختلاف موضوعی قابل توجه و پذیرفته شده است.<sup>۱</sup> به موجب ماده ۱۱ قانون شوراهای حل اختلاف: «قاضی شورا در موارد زیر با مشورت

---

آیین دادرسی مدنی به دادگاهی که خوانده در حوزه آن اقامت دارد دادخواست بدهد». و نظریه ۷/۶۴۹۹ مورخ ۸۱/۸/۱ اداره حقوقی قوه قضائیه «در هر یک از مواد قانون مجازات اسلامی یا قوانین کیفری که تصریح شده است متهم علاوه بر مجازات مندرج در قانون (حبس، شلاق، جزای نقدی) به پرداخت خسارت در حق شاکی محکوم می گردد صدور حکم خسارت مستلزم تقدیم دادخواست به دادگاه رسیدگی کننده به بزه ارتكابی متهم می باشد».

۱. مهاجری، علی، قانون آیین دادرسی مدنی درنظم حقوقی کنونی، همان، ص ۲۳۷.



اعضا شورای حل اختلاف رسیدگی و مبادرت به صدور رای می نماید: ۱- دعاوی مالی در روستا تا بیست میلیون ریال و در شهرها تا پنجاه میلیون ریال...» تا این جا موضوع از بحث این قسمت خروج موضوعی دارد چرا که در دعاوی مسئولیت مدنی «از مال غیرمنقول» و یا «بر مال غیرمنقول» اصولاً این نصاب بی تاثیر خواهد بود چون با توجه به میزان خسارت وارده دعاوی مطالبه خسارت حسب مورد در دادگاه عمومی یا شورای حل اختلاف طرح خواهد شد. اما با توجه به تهیه «لایحه قانون شوراهای حل اختلاف» که اخیراً تهیه و تنظیم و در اختیار قضات و محققین قرار گرفته به نظر می رسد پاسخ به سوال طرح شده در خصوص ارتباط دعوی با مال منقول و یا مال غیرمنقول فارغ از میزان خسارت وارده می تواند بر صلاحیت دادگاه عمومی یا شوراهای حل اختلاف نیز موثر باشد چرا که به موجب ماده ۱۳ لایحه قانون شوراهای حل اختلاف: «شوراهای شهر در موارد زیر رسیدگی و صدور رای می نماید این رای مطابق ماده ۳۲ به تایید قاضی شورا می رسد.

الف) دعاوی مالی مربوط به اموال منقول تا دویست میلیون ریال...» با عنایت به مطالب فوق مباحث این قسمت در دو مبحث سعی در پاسخ به سوال مطروحه خواهند داشت. اما با توجه به ضرورت طرح موضوع بدو در مبحث اول با توجه به رویه قانون مدنی کلیاتی در خصوص اموال منقول و غیرمنقول و انواع آن ها با توجه به تاثیر تشخیص این موضوع در تعیین دادگاه صلاحیت دار بیان خواهد شد و در ادامه در مبحث دوم خسارت وارده به منقول در اثر مال غیرمنقول و در مبحث سوم از این قسمت خسارت وارده به غیرمنقول بر اثر مال منقول بررسی خواهد شد. در پایان ذکر این نکته ضروری است با دقت نظر در خصوص اموال دخیل در ایجاد مسئولیت چهار فرض قابل تصور است که به بررسی خسارات وارده از مال منقول بر مال منقول

۱. هرچند این لایحه در مراحل اولیه تنظیم و اصلاح قرار دارد و تا پوشیدن جامه مقدس «قانون» بر آن راهی طولانی در راه است اما با توجه به تلاش نگارنده در حد بضاعت در اخذ نظرات مجریان اصلی این قانون (احتمالی) یعنی قضات محاکم به نظر اقبال عمومی در پذیرش ضابطه ارائه شده در این لایحه وجود دارد و باید منتظر تصویب آن بود هرچند عده ای این وضع ایجاد صلاحیت برای شورای حل اختلاف را عملی شتاب زده و مغایر با قانون اساسی می دانند.





دیگر پرداختیم و در ادامه به دوفرض دیگر خواهیم پرداخت. اما فرض چهارمی هم وجود دارد که دعاوی تولیدی آن در محاکم کم نیست و آن هم خسارت وارده از مال غیرمنقول بر مال غیرمنقول دیگر است. برای مثال بر اثر نشت لوله های آب به کار رفته در یک خانه به خانه مجاور آن خسارتی وارد و طرح دعوی می گردد. علت آن که این فرض در این جا مطرح می شود این است که به نظر ما شبهه ای در تعیین دادگاه صالح در این خصوص وجود ندارد چه این که با توجه به ضابطه ای که ارائه خواهد شد به هر حال فاعل و مفعول مادی موجد مسئولیت غیرمنقول هستند و با هر استدلالی حکم به غیرمنقول بودن دعوی خواهیم نمود. چه این که رویه دیوان عالی کشور از گذشته تاکنون چنین بوده است.<sup>۱</sup> هم چنین بعید نیست که توسل به «برهان خلف» در این خصوص راه گشا باشد. چرا که به موجب ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی مدنی «هرگاه دادگاه تجدید نظر، دادگاه بدوی را فاقد صلاحیت محلی یا ذاتی تشخیص دهد رای را نقص و پرونده را به مرجع صالح ارسال می دارد». با توجه به این موضوع می توان نتیجه گرفت چنان چه رای در دادگاه تجدیدنظر مورد پژوهش واقع شد و دادگاه تجدیدنظر رای بدوی را به استناد این ماده نقض نکرد آن دادگاه بدوی صلاحیت (ذاتی و محلی) رسیدگی به موضوع را داشته است. چرا که به موجب تبصره ماده ۳۴۸ قانون فوق الذکر<sup>۲</sup> اگر درخواست

۱. «دعاوی مربوط به اجرت المثل و خسارت وارد بر املاک غیرمنقول است». رای شماره ۱۹۷/۱۵۲ دیوان عالی کشور اصول حقوقی دیوان عالی تمیز تا سال ۱۳۱۰ به نقل از حسینی، سید محمد رضا، قانون مدنی در رویه قضایی، چاپ چهارم، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۷، ص ۲۲.

۲. ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی: «جهات درخواست تجدیدنظر به قرار زیر است:

الف- ادعای عدم اعتبار مستندات دادگاه.

ب- ادعای فقدان شرایط قانونی شهادت شهود.

ج- ادعای عدم توجه به دلایل ایزاری.

د- ادعای عدم صلاحیت قاضی یا دادگاه صادرکننده رای.

ه- ادعای مخالف بودن رای با موازین شرعی و یا مقررات قانونی.

تبصره- اگر درخواست تجدیدنظر به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده به عمل آمده باشد در صورت وجود جهات دیگر، مرجع تجدیدنظر به آن جهت هم رسیدگی می نماید.

تجدید نظر به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده به عمل آمده باشد در صورت وجود جهات دیگر مرجع تجدید نظر به آن جهت هم رسیدگی می نماید. پس اگر رای دادگاه بدوی در دادگاه تجدید نظر تایید و یا در صورت نقض علت نقض عدم صلاحیت دادگاه بدوی نبوده باشد می توان استنتاج به صحت صلاحیت محلی دادگاه بدوی نمود.<sup>۱</sup>

### بخش چهارم: دادگاه صالح در مسئولیت مدنی با فرض عنصر خارجی

همیشه این گونه نیست که دعوی تولیدی در نتیجه یک واقعه حقوقی موجد مسئولیت مدنی خلاصه در چارچوب صلاحیت دادگاه های یک کشور گردند و بحث پیرامون انتخاب دادگاه صالح محلی (ویا نسبی) مطرح باشد. چه بسا به موجب دخالت عنصر یا عناصر خارجی در دعوی مطروحه این تردید از صلاحیت محاکم یک کشور خارج و وارد در مباحث صلاحیت دو یا چند کشور مستقل گردد و این خود امکان حکومت قوانین خارجی بر موضوع مطروحه را افزایش خواهد داد. برعکس امکان دارد با توجه به دعوی مطرح شده و باعنایت به وجود عنصر خارجی در مسئله دو یا چند کشور قانون خود را بر مسئله صالح بدانند که در جای خود پای تعارض قوانین را نیز به دعوی مسئولیت مدنی باز خواهد نمود اما آن چه مبرهن است این است که افزایش حضور کشورهای مختلف (بوسیله اتباع، کالاها و...) در حوزه اقتدار سیاسی یک کشور دیگر سبب شده است که در سطح بین المللی اصولی<sup>۲</sup> پایه ریزی گردد که در نتیجه آن به لحاظ مصالح، اجرای قانون کشور دیگر در دادگاههای مقرر (دادگاه) دعوی مطروحه به



۱. برای دیدن نمونه این آرای قطعیت یافته در خصوص خسارت رجوع کنید به: بازگیر، یدالله، آراء قطعیت یافته دادگاه ها در امور مدنی، چاپ دوم، انتشارات بازگیر، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵ به بعد.
۲. از جمله اصل (تئوری) نزاکت بین المللی که به موجب آن هیچ دولتی مکلف به اجرای قانون خارجی در قلمرو خود نیست. زیرا چنین تکلیفی با استقلال و حاکمیت کشورها منافات دارد و اگر در بعضی از موارد استثنایی، دولتی قبول کند قانون کشور خارجی را در قلمرو خود اجرا کند این امر صرفاً به لحاظ رعایت نزاکت بین المللی است که مبنای آن منافع خود آن دولت است چرا که این تجویز بر اجرای قانون خارجی سبب اجرای قوانین این کشور در کشورهای دیگر خواهد شد. هم چنین تئوری رفتار متقابل که بیشتر به صورت شرط در توافقات بین المللی مطرح می گردد نیز اجرای قوانین خارجی را توجیه خواهد نمود.



موجب قوانین به رسمیت شناخته شود امری که موجب می‌گردد قاضی یک دادگاه رسیدگی به تظلمات واصله، با در نظر گرفتن عناصر خارجی ابتدائاً به تشخیص صلاحیت دادگاه متبوع خود و سپس به انتخاب قانون صلاحیت دار در فصل خصومت اقدام نماید. چرا که حل مسئله تعارض دادگاه‌ها مقدم بر حل مسئله تعارض قوانین است و قاضی باید قبل از تصمیم گرفتن در مورد قانون لازم الاجرا نسبت به صلاحیت و یا عدم صلاحیت خود اظهار نظر نماید.<sup>۱</sup> نتیجه این امر آن است که ارجاع دعوی به این یا آن دادگاه به خصوص در تعیین قانونی که باید به موقع اجرا گذاشته شود اثرگذار است. موضوع به همین جا نیز ختم نمی‌گردد چرا که تعیین دادگاه صالح در بحث تعارض قوانین جدای از قوانین ماهوی بر قواعد آیین دادرسی و حتی اجرای حکم نیز موثر می‌باشد. برای مثال اگر در اثر وجود عناصر خارجی از جمله اقامتگاه، تابعیت، محل وقوع حادثه موجب مسئولیت مدنی و... در یک دعوی مسئولیت مدنی بین دادگاه‌های صالح در کشور آمریکا (که مسئولیت محض در آن جا پذیرفتند شده است) و کشور ایران که به نظر، تابع مسئولیت مبتنی بر تقصیر است تردید حاصل آید.<sup>۲</sup> انتخاب دادگاه در آیین تحمل بار اثبات دعوی بر دوش خواهان و یا خوانده موثر است و نیز به موجب قسمت اول ماده ۹۷۱ قانون مدنی «دعای از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آن جا اقامه می‌شود...». هم چنین واضح است که هدف اصلی و رسالت مسئولیت مدنی جبران خسارت است و صرف تحصیل رای مبنی بر محکومیت مسئول واقعه کافی به مقصود نیست و اجرای حکم چه بسا مهم تر از محکومیت خوانده تلقی گردد. حال وقتی بر اساس قواعد حل تعارض به صلاحیت محکمه اجنبی حکم گردد مسئله شناسایی و اجرای حکم خارجی مطرح می‌شود. برای مثال اگر یک ایرانی در ترکیه (محل وقوع حادثه مربوط به مال منقول) علیه یک ایرانی دیگر دعوی مسئولیت مدنی مطرح نماید و بر اساس اصل صلاحیت دادگاه محل وقوع حادثه دادگاه ترکیه بدون توجه به تابعیت و اقامتگاه طرفین که ایرانی هستند اقدام به انشای رای نماید و خواهان جهت اجرای مفاد رای (دادگاه خارجی) به

۱. الماسی، نجادعلی، حقوق بین الملل خصوصی، چاپ چهارم، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۷.

۲. جعفری تبار، حسن، همان، ص ۲۲۷.

دادگاه محل اقامت خواننده<sup>۱</sup> مراجعه کند مسلم است که باتوجه به این که خواهان و خواننده ایرانی هستند دادگاه ایران خود را صالح به رسیدگی به این دعوی خواهد دانست در این صورت به موجب صدر و بند ۶ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی<sup>۲</sup> امکان شناسایی و اجرای حکم صادره از دادگاه خارجی میسر نخواهد بود.<sup>۳</sup> از مجموع آن چه فوقاً (به اختصار) بیان شده اهمیت تعیین دادگاه صالح در دعاوی مسئولیت مدنی بافرض وجود عنصر خارجی پی می بریم. موضوعی که بدو در بحث تعارض قوانین و دادگاه ها نمود پیدا می کند و پس از تشخیص موضوع و توصیف آن در دسته ارتباط مربوطه (در فرض وجود) قواعد تعارض قوانین موجود در قوانین در خصوص اموال بر آن اعمال می گردد به همین سبب ضمن اذعان جدی به این موضوع که رویه قضایی در بحث تعارض قوانین (خصوصاً در موضوع مسئولیت مدنی) ضعف دارد و تنها منبع صلاحیت، برای این تعارض و تعارض محاکم قانون دانسته شده است بیان می گردد که در قوانین نیز قاعده حل تعارض در خصوص مسئولیت مدنی وجود ندارد<sup>۴</sup> و لذا تنها روش استخراج نتایج به وسیله قیاس از سایر قوانین و مقررات می باشد. به همین سبب اساتید و صاحب نظران میل و رغبتی برای ورود به این بحث از خود نشان نمی دهند که این موضوع خود بر ضعف منابع مطالعاتی در این خصوص افزوده است.

### نتیجه گیری

در حال حاضر غالب دعاوی مربوط به خسارات ناشی از اموال غیر منقول است که توجه ویژه به آن را در خصوص تشخیص دادگاه صالح ضروری می نمایاند. در فرضی که مال غیر منقولی به مال غیر منقول دیگری آسیبی وارد می نماید در غیر منقول بودن دعاوی حاصله تردید نمی

۱. ماده ۱۷۰ قانون اجرای احکام مدنی: «مرجع تقاضای اجرای حکم دادگاه شهرستان محل اقامت یا محل سکونت محکوم علیه است و اگر محل اقامت یا سکونت محکوم علیه در ایران معلوم نباشد دادگاه شهرستان تهران است».

۲. ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی: «احکام مدنی صادر از دادگاه های خارجی در صورتی که واجد شرایط زیر باشند در ایران قابل اجراست...»

بند ۶- رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاه های ایران نداشته باشد».

۳. مهاجری، علی، شرح جامع قانون اجرای احکام مدنی، ج دوم، چاپ دوم، انتشارات فکرسازان، تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۷۶ به بعد.

۴. جعفری تبار، حسن، همان، ص ۲۳۲.



توان کرد چرا که رویه محاکم و خسارت وارده هر دو از جنس غیرمنقول هستند که با این توضیح تفاوتی در ذاتی و یا حکمی بودن مال غیر منقول موضوع دعوی نخواهد بود و در هر دو صورت دادگاه محل وقوع مال صالح به رسیدگی خواهد بود. همانطور که توضیح دادیم در مواردی که به مال منقول مانند اتمبیل توسط مال غیرمنقول دیگری مانند ساختمان مسکونی معیوب خسارتی وارد می‌گردد از آن جا که خود مال غیر منقول مورد نزاع نیست بلکه نزاع در مورد خسارتی است که وارد شده است و خسارات هم مال منقول محسوب می‌گردد لذا دعوی داخل در دعاوی منقول است و بایستی در دادگاه محل اقامت خواننده طرح گردد. موضوعی که هر چند بامنطق حقوقی سازگار است اما نتیجه ای جز تحمل بار اضافی بر دوش متضرر نخواهد داشت که پیشنهاد می‌گردد در این خصوص با ایجاد وحدت رویه جدای از ختم اختلافات دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول به عنوان دادگاه صالح انتخاب گردد. چرا که مدیریت ادله اثباتی از جمله کارشناسی معاینه و تحقیق محلی در دادگاه نزدیک تر به دادگاه محل وقوع حادثه موجه تر به نظر می‌رسد. نتیجه گیری فوق هر چند در موردی که خسارت توسط یک غیرمنقول حکمی (مانند ماشین آلات کشاورزی) واقع می‌گردد از باب موافقت با اصل قابل دفاع است اما هم چنان که در دعاوی ناشی از مال منقول بیان شد اجرای اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده نتیجه ای جز مشقت خواهان (متضرر) نخواهد داشت. همچنین لازم به ذکر است در مواردی که بر مال غیرمنقولی توسط مال منقول خسارتی وارد می‌آید به نظر می‌رسد با توجه به این که نزاع در این خصوص ناشی از خسارت وارده بر مال غیر منقول است و با توجه به رای وحدت رویه ۳۱-۶۳/۵/۹ که بیان می‌دارد مطالبه وجوه و اجرت المثل در اموال غیر منقول در غیر عقود و قراردادهای دعاوی غیر منقول تلقی می‌گردد می‌توان نتیجه گرفت که دادگاه صالح در این قسم از دعاوی مسئولیت مدنی دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول می‌باشد.



## منابع و ماخذ قرآن کریم و بعد

۱. ارفع نیا، بهشید، حقوق بین الملل خصوصی، جلد دوم، چاپ دوم، انتشارات آگاه، بیجا، ۱۳۷۰
۲. بهرامی، بهرام، معامله فضولی و انتقال مال غیر، چاپ سوم، انتشارات نگاه بین، تهران، ۱۳۸۹
۳. جعفری تبار، حسن، مسئولیت مدنی کالاها، چاپ اول، انتشارات دادگستری، تهران، ۱۳۸۹
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ هجدهم، گنج دانش، تهران، ۱۳۸۶
۵. ژوردن، پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، چاپ دوم، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۵
۶. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ هفتم، انتشارات دراک، تهران، ۱۳۸۴
۷. شهیدی، مهدی، آثار قراردادها و تعهدات، چاپ دوم، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۳
۸. صدرزاده افشار، سیدمحسن، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی دادگاه های عمومی و انقلاب، چاپ نهم، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۵
۹. مجموعه نشست های قضایی، مسائل آیین دادرسی مدنی (۳)، معاونت آموزش قوه قضائیه، چاپ اول، نشر قضا، قم، ۱۳۸۳
۱۰. محمدخانی، حسین، مسئولیت مدنی در بارگه داد، چاپ اول، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۸۶
۱۱. مشاوره قضایی تلفنی، جلد چهارم، معاونت آموزش قوه قضائیه، چاپ اول، نشر قضا، قم



۱۲. نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، چاپ دوازدهم، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۸۴
۱۳. هدایت نیا، فرج الله، حقوق غیرایرانیان در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، انتشارات المصطفی، قم، ۱۳۸۸
۱۴. یزدانیان، علیرضا، حقوق مدنی قواعد عمومی مسئولیت مدنی، جلد اول، چاپ اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۶

